

Fibonacci
The Most Powerful Indicator
فيبوناچي
قدرتمندترين ابزار تعقيب روند

مترجم على حسيني
Support@fxpars.com

در بین تمام ابزارهایی که تا بحال استفاده کرده ام، ابزار مورد علاقه ام برای تحلیل، بررسی درصدهای فیبوناچی است. این روش بررسی، آنچنان پیچیده و گسترده است که من حتی نمی توانم وانمود کنم که در این زمینه حرفه ای هستم. در عوض می خواهم به شما نشان دهم که دانش محدود خود را چگونه در ترید کردن مورد استفاده قرار می دهم.

در این میحث تنها به سه نسبت اصلی فیبوناچی می پردازیم. و از بحث در مورد نسبتهای فرعی، بیضویها، کمانها، باندها و محور زمان صرفنظر می کنیم.

در ابتدا کمی در باره ی تاریخچه این ابزار توضیح میدهم. لئوناردو فیبوناچی در سال ۱۱۷۰ متولد شد. پدر او از مقامات شهر و همینطور یک تاجر بود. وی یک ریاضیدان برجسته و کاشف چیزی است که ما امروزه به عنوان سری اعداد فیبوناچی می شناسیم.

پس از مراجعت از سفرش به مصر، فیبوناچی کتاب Liber Abacci (کتاب حساب) را نوشت که در آن علاوه بر مطالب دیگر، به دنباله ای از اعداد اشاره شده بود.

تا بینهایت . . . ۱، ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۳، ۲۱، ۳۴، ۵۵، ۸۹ . . .

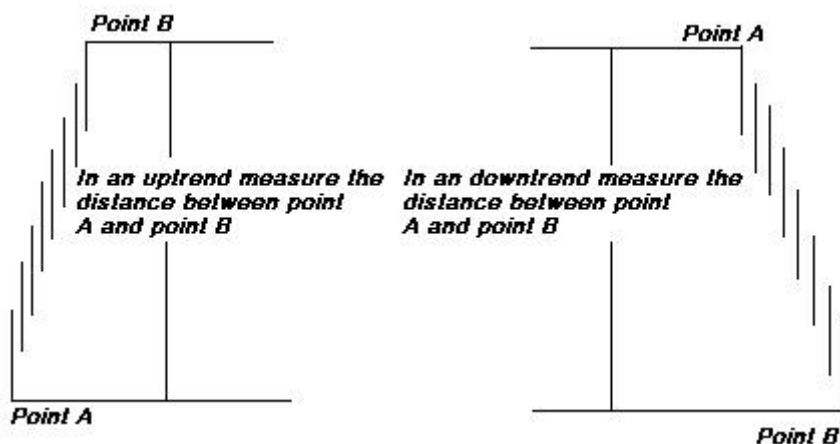
اگر یکی از اعداد دنباله را به عدد ماقبل آن اضافه کنید، عدد بعدی به دست می آید. مثلاً $۳+۵=۸$

بعد از چند عدد نخست دنباله، اگر هر یک از اعداد دنباله را به عدد بعدی آن تقسیم کنید عدد $۰/۶۱۸$ بدست می آید. مثلاً ۳۴ تقسیم بر ۵۵ ، می شود $۰/۶۱۸$. هر چه در دنباله جلوتر بروید، به **عدد فی** بیشتر نزدیک می شوید.

چنانچه نسبت بین اعداد یک در میان را بدست آورید (نسبت عدد بزرگ به عدد کوچک)، به عدد $۰/۳۸۲$ می رسید. مثلاً ۳۴ تقسیم بر ۸۹ ، می شود $۰/۳۸۲$ و من در توضیحاتم تا اینجا پیش می روم. به عنوان یک تریدر، نیازی به دانستن هیچکدام از اینها ندارید. تمام چیزی که باید بدانید اینست که آیا نرم افزار نمودارهای شما، قابلیت فیبوناچی را دارد. اگر چنین است، همه ی این محاسبات را برایتان انجام می دهد.

نسبتهای فیبوناچی که ما بکار می بریم، $۰/۳۸۲$ ، $۰/۵۰۰$ و $۰/۶۱۸$ هستند. کافیست بدانید چگونه از آنها در معاملات روزانه ی خود استفاده کنید.

در یک روند، فاصله ی بین نقاط A و B را بطوریکه نقطه ی A پایین ترین نقطه ی اخیر در یک روند صعودی یا بالاترین نقطه ی اخیر در یک روند نزولی باشد.



در مثال پایین نمودار روزانه USD/JPY را می بینید. نقطه ی A، ۱۱۹/۰۹ است و نقطه B، ۱۲۳/۱۶. اگر ریتریس ۲/۲۸٪ را محاسبه کنید، به ۱۲۱/۶۱ می رسید. ریتریس ۵۰٪، ۱۲۱/۱۳ است و ریتریس ۸/۶۱٪، ۱۲۰/۴ است و ریتریس ۸/۶۱٪، ۱۲۰/۶۴ می باشد. اختلاف میان ۱۱۹/۰۶ و ۱۲۳/۱۶، ۴/۰۷ می باشد. اگر ۲/۲۸٪ عدد ۴/۰۷ را حساب کنید، ۱/۵۵ را بدست می آورید. حال اگر ۱/۵۵ را از ۱۲۳/۱۶ (نقطه B) کم کنید، به ریتریس ۲/۲۸٪ که ۱۲۱/۶۱ است، می رسید. به همین ترتیب می توانید بقیه ی سطوح ریتریس را هم محاسبه کنید.



در مثال بعدی که نمودار يك دقیقه ای داوجونز است، نقطه ی A، ۷/۹۱۶/۰۸ و نقطه ی B، ۷/۸۷۷/۷۰ می باشد. اگر حساب کنید، می بینید ریتریس ۲/۲۸٪ ۷۸۹۲/۳۶، ریتریس ۵۰٪، ۷۸۹۶/۸۹ و ریتریس ۸/۶۱٪، ۷۹۰۱/۴۲ می باشد. بعنوان مثال اختلاف بین ۷/۹۱۶/۰۸ و ۷/۸۷۷/۷۰، ۳۸/۳۸ است، که ۸/۶۱٪ آن برابر است با ۲۳/۷۲. حال با اضافه کردن ۲۳/۷۲ به ۷/۸۷۷/۷۰ که همان نقطه ی B است، به ۷۹۰۱/۴۲ یعنی ریتریس ۸/۶۱٪ می رسید. تنها تفاوت در روند صعودی و نزولی آنست که در روند صعودی عدد بدست آمده را از نقطه B کم می کنید، ولی در روند نزولی، آن را به B اضافه می کنید.



خوب، حالا چطور این همه اطلاعات را استفاده کنیم؟ حتماً تعجب می کنید وقتی ببینید سطوح مقاومت و ساپورت یک سهم یا یک ارز چقدر بر سطوح بدست آمده از محاسبه درصد های فیوناچی منطبق است. فکر می کنم این قضیه به این خاطر است که بسیاری از تریدرها، این تکنیک را در تحلیل های شان استفاده می کنند که این خود نوعی پیشگویی خود برآورده است و بدلیل طبیعت بازار، قیمت با این اکثریت همراه می شود.

برای استفاده از این تکنیک، من ابتدا یک روند را در بازار تشخیص می دهم. به محض اینکه می بینم قرار است بازار ریتریس کند، سطوح ریتریس را محاسبه می کنم. سپس در ۳۸/۲٪ وارد شده و حد ضرر را پشت ۶۱/۸٪ قرار می دهم.

در صورتی که حس کنم اختلاف بین سطوح ۳۸/۲٪ و ۶۱/۸٪ زیاد است و ریسک بزرگی محسوب می شود، یک تایم فریم پایین تر رفته و همین تکنیک را مجدداً بکار می برم ولی حد ضرر تنگ تری را در نظر می گیرم.

در درس بعدی به شما نشان خواهیم داد که چطور نقطه خروج را با استفاده از فیوناچی بدست بیاورید. به این ترتیب شما یک نقطه ورود منطقی، یک نقطه خروج منطقی برای گذاشتن حد ضرر و یک نقطه خروج منطقی خواهید داشت.